

اتحاد چپ کارگری

شماره ۱۶۱

۲۹-۱-۲۰۰۴ برابر با ۹-۱۱-۱۳۸۲

* * * * *

باری در ادامه بحث، پاسخ به پرسش زیر را پی میگیریم:
_ کارگران در چه وضعیتی اند و مبارزه همه مزد و حقوق بگیران در عرصه اقتصادی و سیاسی، چگونگی تفکیک ناپذیری آندو از یکدیگر، ضرورت تشکل توده ای و سازمانیابی سراسری مستقل کارگران در ایران امروز از چه مجاری حاصل میگردد؟

برکسی پوشیده نیست که کارگران امروزه دردشوارترین دوره زندگی خود بسر می برند. متوسط عمر کارگران، کاهش پیدا کرده است. تغذیه امریغرنجی برای یکایک کارگران و افراد خانواده هرکارگری بشمار میرود، میوه چیزی لوکس و گوشت غذای کمیابی بر سر سفره کارگران است. به تعویق افتادن دستمزدها در طول سالهای اخیر، بیش از ۱۰۰ هزار کارگر زن و مرد در ایران را بین ۲ تا ۳۰ ماه بدون حقوق و پاداش نگهداشتند! حدود میزان بیکاری را بین چهار(۴) تا هشت(۸) میلیون رسم و شماره میکنند. کارفرمایان دولتی و بخش خصوصی، کارگران را بجای استخدام رسمی، در موقعیت موقت، قراردادی، پیمانی، کنتراتی، گاه مزدی و... به عرصه کار می کشند. دربرابر این «سختوتمندی»، کارفرمایان، کارگران دو تا سه شغله بوده و به جای ۸ ساعت کار روزانه، گاه ۱۵ تا ۱۷ ساعت کار میکنند. از بیمه و درمان و تامین اجتماعی خبری نیست. قربانیان حوادث و سوانح کار در ایران بدون تضمین امنیت شغلی همه مزد بگیران بکار واداشته میشوند. کارگران هیچگاه با کارشان تعریف نمیشوند بلکه با اراده کارفرما و تامین منافع او بر سر نوشت و اراده کارگران رقم میخورند! بردگی کار کودک در واحد های تولیدی که طی سال گذشته از شمول قانون کار خارج شده آندو در کوره پزخانه ها و پای دار قالی به عقب مانده ترین شکل ممکن بچشم میخورد. زنان در محیط کار نیز نصف مردان معنی مییابند و از حقوق مساوی بر خوردار نیستند! باری زدودن بارههه این ناملایمات از دوش کارگران و رنجبران، چاره درمان درد آنان در گرو وحدت و تشکیلاتشان است. برای کاستن بار این مشکلات بدون وجود تشکل مستقل دفاع از حقوق پایمال شده دشوار مینماید!

میگویند: شرایط کنونی ایران یکی از مساعد ترین شرایط برای تکوین تشکل های صنفی و ارتقاء آن به سطوح عالیتر است. بطوریکه بعد از سالهای ۵۹ به اینسو، جنبش کارگری ایران تا این درجه دربرپایی نهاد های مستقل خود نزدیک نشده است. در مقابله با همین توان نهفته و مقاومت پایدار کارگران ایران است که باید عقب نشینی دولت، وزارت کار، دلوپسی ها و دلشوره های خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را در برابر نوعی «مال اندیشی» و تن دادن جبهه مشارکتی هابه پذیرش میناق سازمان جهانی کار برای ایجاد نوعی تشکل سازی ممکن دید! در چنین شرایطی این سؤال مضمون پیدا میکند: چرا از نظر ما مبارزه سراسری اهمیت دارد؟ چرا میبایست پاسخ حل مشکلات و مصائب جنبش کارگری را در سطح عمومی و سراسری یافت؟ ضرورت پاسخگویی به پرسش های فوق، تنها از منظر واقعیات موجود برمیخیزد. امروز همگان پذیرفته اند که مشکلات جنبش کارگری نه از نوع موردی، جزئی، کارخانه ای است بلکه با

جنبش طبقه برای طبقه را یاری دهیم! (بخش هشتم)
امیرجوهری لنگرودی ۲۴ ژانویه ۲۰۰۴ (۴ بهمن ۸۲)

باران و فعالین کارگری!
اکنون که در حال تدوین، این بخش از مقاله ام. خبر تحسن و اعتراض کارگران و خانواده های آنان در نوب مس میروک کرمان واقع در خاتون آباد از توابع شهر بابک و همینطور اجتماع اعتراضی کارگران در شهر بابک (کرمان) را پی میگیرم. بعد از به گلوله بستن کارگران جهان چیت کرج و قتلعام کارگران در قائم شهر (مازندران) در زمان شاه این به گلوله بستن کارگران جنابیتی دیگر است که رژیم اسلامی حاکم بر کارگران تحمیل کرده است. کارگران در اعتراض به سیاست خصوصی سازی و برای جلوگیری از اخراج های بیرویه در برابر سیاست تعدیل اقتصادی منفعت بار سرمایه داری حاکم و قطعیت بخشیدن به استخدام کارگران بومی، با تهاجم قوای ضد شورش روبرو شدند و حرکت اعتراضی کارگران با گلوله باران قوای ضد شورش رژیم اسلامی، پاسخ خونین گرفت!

کشتار کارگران باسبعیت نظامی که دم از «مستضعف» پناهی میزند ولی در برابر عدم پرداخت دستمزدها، بیکار سازها و اخراج های بیرویه کارگران، اعتراض به خصوصی سازی کارخانه ها، وقتی مقاومت همه جانبه کارگران را مبیند با تهاجم و یورش قوای ضد شورش از زمین و هوای آنان رابه رگبار میکشند تا به هر طریقی راه پیشروی مبارزاتی کارگران و مقاومت شان را سد کنند!

چنین کشتاری در برابر عدم وجود تشکل مستقل و قاعده مندی مبارزه متشکل و متحد کارگران، از سویی بدلیل پراکندگی مبارزه در درون کشور، و وظیفه فعالین کارگری، احزاب و سازمان های باورمند به خودرسانی کارگران در تقویت مبارزه طبقاتی را صد چندان میکند! از سوی دیگر طبقه کارگر ایران این جنابیت را فراموش نخواهد کرد. مرد دفاع از کارگران نوب مس خاتون آباد محکوم کردن این کشتار از جانب کارگران داخل کشور در روزهای آینده میرود که به اعتراضی همه جانبه تبدیل گردد که میبایست آنرا بدرخواستهای معوقه کارگران همراه کرد. باید بتوان صدای اعتراض محرومان، تهیدستان و زحمتکشان رابه گوش بشریت مترقی رساند تا ضمن برانگیختن اعتراض دولتهای جهان و همه مجامع کارگری در سطح پنج قاره جهان به رژیم ضد تاریخی جمهوری اسلامی فشار سنگینی وارد آورد و بتدوین دادخواهی خانواده های کشته شدگان این فاجعه جنابیت بار، آمرین و عاملین این کشتار به محاکمه علنی آورده شوند و اجازه نداد که تا در کنار دیگر پرونده های بی شمار جنابیت رژیم این بار نیز ابعاد این کشتار همچون پرونده قتلهای سیاسی زنجیره ای آذر سال ۷۷، کوی دانشگاه تیر ۷۸، زهر کاظمی بایگانی شود. باید زندگی یکایک افراد خانواده های قربانیان این جنابیت تامین، همه کارگران و فعالین دستگیر شده این واقعه بدون قید و شرط آزاد و نتیجه دادگاه جانینان این کشتار به افکار عمومی جهان گزارش گردد!

طرح وقابل دفاع نمود . (ادامه دارد...)

آقای بابک امیر خسروی! چرا در «میکنوس» شرکت نکردید؟! شهاب برهان

آقای بابک امیر خسروی!

شما به هنگام افتتاح «همایش سراسری جمهوری خواهان ایران»، سخنرانی کردید که شاید در آن فضای مملو از اشخاص هم سخن ، و با کف زدن های هم فکran تان، مثل آواز خواندن در زیر دوش، باعث رضایت خودتان بوده باشد؛ اما این آواز شما برای کسانی که برای آزادی و دموکراسی مبارزه می کنند، بسیار ناهنجار و گوش آزار بود.

گفتید: «اگر اتحاد جمهوریخواهان ایران می خواهد به نیروی سیاسی ملی، به معنای تمام کشوری، مبدل گردد و مورد اعتماد ملت ایران قرار بگیرد تا باطمینان سرنوشت خود را به او بسپارند، می باید در اندیشه و عمل، موضع گیری ها، در اسناد و قطعنامه ها، در رفتار و کردار خود، به گونه یک جریان سیاسی ایران دوست، طرفدار پیگیر استقلال و تمامیت ارضی ایران شناخته و پذیرفته شده باشد.»

در دوره ای که نخستین معیار آزادی خواهی و دموکراسی طلبی این است که سرنوشت مردم به خود مردم سپرده شود، شما هنوز در پی آنید که «ملت با اطمینان، سرنوشت خود را به» دار و دسته شما» بسپارند!»

در یک کشور چند ملیتی، ملت را فقط «به معنای تمام کشوری» قبول دارید و در این پندارید که «طرفداری پیگیر از تمامیت ارضی» - که در ایران معنایی بجز اعمال ستم ملی، سرکوب حقوق ملی، و مقابله خونین با حق تعیین سرنوشت نداشته است - «مورد اعتماد ملت ایران» قرار خواهید گرفت! (وقتی که آرمان تان این است که ملت «به معنای تمام کشوری»، سرنوشت خود را به شما بسپارد، چه جای تعجب که حق ملت های تشکیل دهنده ی این «ملت به معنای تمام کشوری» را به رسمیت نشناسید؟!)

اما آرزوی شما آرزوی خامی است، چرا که اگر با انکار مسئله ملی در ایران و با «طرفداری پیگیر از تمامیت ارضی» می شد مورد اعتماد ملت ایران قرار گرفت، شاه و خمینی از اعتماد و اطمینان ملت چیزی کم نمی آوردند و نوبت به شما «جمهوری خواهان» نا دموکرات نمی رسید!

گفتید: «آنچه در گذشته بیش از هر چیز به جنبش آزادی خواهی زبان رسانده است، تند روی ها و چپ روی ها و رادیکالیسم خانمان برانداز بوده است. اکنون نیز تا حدی با این معضل روبروئیم. بخاطر جوان بودن جامعه، و ظلم و ستم و یکه تازی دستگاه حاکمه، زمینه های اجتماعی و روانی آن در کشور نیز وجود دارد. هشیاری و شهامت می خواهد تا از افتادن در کام آن پرهیز کرد.» گفتید: «چنین نیست که هر کجا توده هاست، جای ما آن جاست!»

زمانی که «توده ای» بودید و «امام خمینی» تان جنبش آزادی خواهی را با اعدام های صد تا و دویست تا در روز سلاخی می کرد، شما جنبش آزادی خواهی را متهم به «تند روی و چپ روی و رادیکالیسم خانمان برانداز» می کردید و می گفتید چون مردم از «امام خمینی» و رژیم اسلامی حمایت می کنند، ما هم باید بکنیم، چون هر جا که توده ها هستند، جای ما آنجاست و هر کس نمی کرد، او را متهم می کردید که عامل «سیا» و «موساد» است! ؛ امروز که همین توده ها خواهان بر افتادن رژیم اند، می گوئید: «چنین نیست که هر کجا توده است، جای ما آن جاست!» از آن سال ها تا کنون، بسیاز چیز ها تغییر کرده اند،

مشکلات کلان اقتصادی جامعه روبروست! چرا که وقتی بحث هزینه و تورم به میان کشیده میشود این با کل حیات جامعه ایران روبروست وقتی در برابر فقر موجود، مشکلات آموزش و پرورش، هزینه درمان و دارو، مایحتاج روزمره زندگی، گرانی مسکن در برابر درآمد کارگران و کارمندان به میان می آید. همه این مجموعه خودبه خود، امر مربوط به تمامی حیات کشور است و ما با سختی معیشت در سطح یک خانواده، کارخانه یا دسته و منطقه روبرو نیستیم و با آن فرق دارد. لذا میگوئیم برای زدودن نابرابریهای کلان اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان و کارگران به یک مبارزه سراسری و همگانی در سطح سازمانیابی طبقه وتوده ها نیازمندیم .

جدال این؛ نکته مرکزی استفاده از اشکال و ابزارهای «قانونی» مبارزه است، این ابزار اگرچه نسبت به اعتراضات خیابانی، راه ندان هاو عملیات میدانی، گروهان گیری کارفرمایان، آتش زدن لاستیک، تعرض فرا کارخانه ای و تحصن و اعتصاب کارگران، فاقد رزمندگی لازم است با اینهمه اختلاف و دعوا بین کارگر و کارفرما راز سطح اقتصادی خارج کرده و به آن ابعاد حقوقی-سیاسی معین میدهد. دقیقاً در اینجا جاست که خصلت عمومی مبارزه کارگر با کارفرما برجسته میگردد، آنهم به این دلیل که دولت در ایران خود به مثابه کارفرمای بزرگ جانبدار سرمایه داران، کارفرمایان و بخش خصوصی است از اینرو درگیری و تقابل با او نیز برجسته میشود. بدین ترتیب کارگران در تجربه عملی در می یابند که مسائل جنبش کارگری را میبایست در سطح سراسری و عمومی حل کنند!

بنابراین برای کارگران راهی جز سازمانیابی سراسری وجود ندارد و این طرح خودبه خود ناظر بر افقهای بزرگ جنبش کارگری بوده واز آن متاثر می باشد! از نگاه ما برای فعال شدن پایه های کارگری، قبل از هر چیز باید از سطح و ظرفیت کارگران و خواسته های آنها حرکت کرد. سازماندهی رامیبایست بر مبنای خواسته های بیواسطه کارگران شروع کرد و به امر سازماندهی جنبش از پایین کردن گذاشت و سازماندهی از بالا را، اساساً در مقابل منافع کارگران دید و در شرایط موجود به آن نه گفت!

نباید از یاد ببریم که در سازمانیابی طبقه کارگر باید بتوانیم از امکانات و توانایی ها و سهولت هایی که سازمان یابی کارگری در سطح اقتصادی بوجود می آورد، بنحوه درستی بهره برداری کنیم، بی آنکه از محدودیت آن ضرر ببینیم یا آنرا در نظر نگیریم! هیچگاه از یاد نبریم که سیستم تسلط سرمایه بر مزد و حقوق بگیران در سطوح گوناگون تولید و بازتولید حاصل میگردد. بدون پرداختن به آرایش مبارزاتی و تمامی اشکال آن، رهایی کار از یوغ سرمایه امکان ناپذیر مینماید!

لذا با توجه به ابعاد این جنبی سرمایه است که سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان را باید در تمام عرصه ها، مدنظر و تامل قرار داد و منطق این بر آن، یک سطح بر سطح دیگر را تحمیل نکرد! نباید از یاد ببریم: پذیرش سطح و شکل اقتصادی مبارزه برای عموم طبقه رنج و کار لازم و ضروری است و بدون آن اتحاد، تشکل و آگاهی طبقاتی کارگران نمی تواند پا بگیرد و اگر محدود به آن هم باشد، نمی تواند راه به جایی ببرد. این شکل و سطح مبارزه، آنهم تنها (به شکل اقتصادی) فقط یکی از اشکال و سطوح مبارزه است و در شرایط اجتماعی ایران به دلیل در هم تنیدگی مسائل صنفی اقتصادی و سیاسی از یکدیگر، نباید ظرف تشکل مستقل رانتهای با محدود نگری و ماهیت یک بستر همراه کرد. باید بیش از پیش به استقلال طلبی جنبش کارگری که از نگاه ما نه مصلحت اندیشی سیاسی بلکه به مثابه وظیفه سوسیالیستی تعریف میگردد به شکلی قاطع و بی خدشه

آگاهانه و مسئولانه» برخوردار کنند تا گریه شاخ شان نزنند؛ و در « تهران و اصفهان و تبریز» به گونه ای حرف بزنند که شما در برلین می زنید!

شهاب برهان
28 ژانویه 2004 - 8 بهمن 1382

اخبار کارگری

یکشنبه 5 بهمن 1382 - 25 ژانویه 2004 نیروهای انتظامی چهار نفر را در خاتون آباد کرمان کشتند

در درگیری کارکنان شرکت نوب مس خاتون آباد با نیروهای انتظامی که از بامداد روز شنبه آغاز شد، نیروهای انتظامی با ضرب و شتم کارکنان، به گفته خبرنگاران محلی، حداقل چهار نفر را کشته و بیش از 100 نفر را زخمی کرده اند. سایت خبری کرمان گزارش داد: حدود هشت روز است که تعدادی از مردم خاتون آباد شهر بابک کرمان در برابر دروازه کارخانه نوب مس تجمع کرده اند. این تعداد که اکثر آن ها را زنان مسن تشکیل می دادند، تقاضای خود را اشتغال اعضای خانواده خود ذکر می کردند. بر اساس گزارش های رسیده کارخانه نوب مس دست به استخدام کارگر از شهرهای دیگر زده است و تحصن کنندگان خواهان آن هستند که کارگران محلی بیکار استخدام شوند. تحصن مردم خاتون آباد در حالی به روز هشتم خود رسید که در روزهای گذشته جمعیت متحصن شاهد حضور تعدادی از نیروها و هلی کوپترهای یگان ویژه نیروی انتظامی بوده اند تا این که روز شنبه، وقتی صحبت دو نفر از خانم ها، به عنوان نماینده از طرف گروه متحصن، با سرهنگ سعید، فرماندار یگان ویژه، به نتیجه نرسید و در حال بازگشت به سمت گروه متحصن بودند، در برابر تیراندازی تعدادی از سربازان یگان قرار گرفتند. این سربازان که در ابتدا با زدن تیرهایی متحصنین را تهدید می کردند، با حرکت دوباره مردم با تیرهای زمینی به تیراندازی ادامه دادند. در همین حال گزارش شده است که در حمله به ساختمان های بانک ها، تظاهر کنندگان شیشه های برخی از آن ها را شکسته اند و شهر به حال تعطیل در آمده است. سایت خبری کرمان می افزاید: در تماسی که با آقای فرشاد، معاون سیاسی - امنیتی استانداری داشتیم، ایشان از وضعیت خاتون آباد اظهار بی اطلاعی می کرد و در جواب خبرنگار ما گفت: ما هنوز نتوانسته ایم با آقای شهیدانژاد، فرماندار شهر بابک، تماس بگیریم. سردار دارایی، فرمانده نیروی انتظامی، نیز از وقوع این خبر اظهار بی اطلاعی کرد و هر گونه تیر اندازی را تکذیب نمود. این در حالی بود که صدای شلیک تیر توسط گوشی همراه خبرنگار روزنامه صبح کرمان شنیده می شد. مصطفی، یکی از ساکنان شهر بابک که خود ناظر وقایع بود، به رادیو فردا می گوید: 6-25 روز قبل یک روز تحصن داشتند که به تحصنشان اهمیتی داده نشد که هشت روز پیش دوباره تحصن کردند و هشت روز هم جلو دروازه کارخانه تحصن داشتند که بعد دیگر نیروها با مردم درگیر شدند و مردم را متفرق کردند. من موقع تیراندازی، حدود ظهر، آن جا بودم.

از جمله توده ها و از جمله روش شما نسبت به توده ها؛ اما آنچه عوض نشده است، همین رژیم است و مشی سازشکارانه شما در قبال آن. شما به توده ها پشت کرده اید، چون توده ها به رژیم اسلامی پشت کرده اند.

آنچه در گذشته «بیش از هر چیز» به جنبش آزادی خواهی زیان رسانده، نه چپ ها و رادیکال ها، بلکه در درجه اول رژیم بوده، و در درجه دوم، همدستانان و همدستان رژیم اسلامی، امثال «حزب توده» ای که شما در دستگاه رهبری اش بودید. و امروز هم امثال شما (بعد از خود رژیم) و با اصرار بر امکان اصلاح رژیم، «بیش از هر چیز» به جنبش آزادی خواهی زیان می رسانید.

راستی شما که اینهمه در ضرورت «مسالمت جوئی و اعتدال» در قبال رژیم اسلامی تبلیغ می کنید، در دوره خمینی از این مشی (که تا همکاری با سپاه پاسداران در لو دادن «چپ رو ها و رادیکال ها» پیش رفت) چه طرفی بستید و به کجا رسیدید جز این که «احسان طبری» را به «اسلام تبری» تبدیل کنید و فعالان نگون بخت حزب تان را تقدیم ساطور خمینی کنید؟!

گفتید: «چنین نیست که همواره مسئولیت خشونت با دولت هاست. اپوزیسیون نیز باید برخوردار آگاهانه و مسئولانه داشته باشد».

گفتید: «... می باید زبان و گفتمان سیاسی ما، خواست ها و شعار های روز ما و حتی در چشم انداز کوتاه و میان مدت، به نحوی باشد، که یاران و همفکران ما در داخل کشور، در دفاع از آن ها با مشکلات کم تری رو به رو شوند... زبان و رفتار سیاسی ما در گفتار و کردار باید در قالب و به گونه ای باشد که گویی در تهران و اصفهان و تبریز هستیم»

آقای بابک! اگر شما در این روزها در «بابک» بودید که در آنجا کارگران را بخاطر اعتراض مسالمت آمیزشان به اخراج، با هلی کوپتر به رگبار بستند؛ چهار کارگر را کشتند و صد نفر را زخمی کردند، جای شما در کجا می بود؟! در میان کارگران «تند رو و چپ و رادیکال خانمان برنداز» ی که فقط حق زندگی و نان می خواهند، یا در هلی کوپتر؟! بیهوده سعی نکنید کسی را مجاب کنید که در میان زمین و آسمان هم جایی برای ایستادن وجود دارد!

شما که در برلین، در شهر «میکونوس» گفتید: «چنین نیست که همواره مسئولیت خشونت با دولت هاست. اپوزیسیون نیز باید برخوردار آگاهانه و مسئولانه داشته باشد». اگر در «تهران و اصفهان و تبریز» بودید چه می گفتید؟!

گفتید: «آفتاب عمرم بر لب بام رسیده و حضور و مشارکت من در این همایش تاریخی، به احتمال زیاد آخرین اقدام سیاسی من است».

از کدام «آفتاب» حرف می زنید؟! آنچه آفتاب لب بام اش می پذیرد، طشتی است که مدت هاست از بام افتاده است! اما در هر حال، خدا را چه دیده اید! ای بسا عمر درازی داشته باشید که اقدام سیاسی بعدی و تاریخی تان حضور در دادگاه بین المللی برای محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت باشد؛ که در آنجا هم بعنوان وکیل مدافع رژیم اسلامی، اعلام کنید: «چنین نیست که همواره مسئولیت خشونت با دولت هاست. اپوزیسیون نیز باید برخوردار آگاهانه و مسئولانه داشته باشد».

دریغا که عمر سامی و فرخزاد و سعیدی سیرجانی و فروهرها و مختاری و پوینده و زهرا کاظمی و صد های دیگر، کوتاه تر از عمر شما بود و اندرز شما به گوش شان نرسید تا بدانند که باید

تجمع کارگران معدن کرومیت اسفندقه در مقابل استانداری کرمان

جمعی از کارگران معدن کرومیت اسفندقه بافت، در اعتراض به عدم دریافت دستمزد خود، در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند.

«عباس کاربخش»، دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان، ضمن اعلام این خبر به خبرنگار سرویس کارگری ایلنا گفت: این کارگران هم اکنون بیش از ۸ ماه است که بدون دستمزد مانده‌اند. وی افزود: با وجود آن که نمایندگان از سوی این کارگران نزد وزیر صنایع و معادن رفته و مشکلاتشان را با وی در میان گذاشته‌اند، تاکنون نتیجه‌ای عاید آنان نشده است. به گفته کاربخش، این معادن، پیش‌تر در اختیار سازمان صنایع و معادن بوده و هم اکنون توسط بخش خصوصی اداره می‌شود.

کارگران فصلی و دائمی در تهران شناسنامه دار می‌شوند

در سی و یکمین جلسه شورای شهر به تعدادی از مواد دستور جلسه رسیده به اعضا رسیدگی شد. این جلسه که به دلیل حضور نداشتن رئیس شورا به ریاست حسن بیادی تشکیل شد، برنامه‌ها و طرح کمیسیون فرهنگی و اجتماعی قرائت شد که طبق آن کارگران فصلی و دائمی در تهران شناسنامه دار می‌شوند. رسول خادم، رئیس کمیسیون اجتماعی، فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران گفت: «پیش‌نویس طرح ساماندهی محل استقرار کارگران ساده و حرفه‌ای در تهران تهیه شده و کارگران در چند روز آینده با همکاری فرمانداری به مدت ۲ ماه در مناطق یک و ۵ از نظر تخصصی و کمی (فصلی و دائمی) شناسایی و شناسنامه دار می‌شوند.» وی هدف اصلی این طرح را طبقه‌بندی تخصصی کارگران عنوان کرد و گفت: «شهروندان بعد از اجرای این طرح می‌توانند با شناسایی کامل از کارگران با تخصص‌های مختلف و حقوق متفاوت که توسط وزارت کار و سازمان فنی و حرفه‌ای تعیین می‌شود، استفاده کنند.» وی از منشور ساماندهی حمایت از کارآفرینان سخن گفت و ادامه داد: «پیش‌نویس این طرح تهیه شده و به امضای سازمان‌های متولی کارآفرین دولتی جهت چگونگی حمایت دستگاه‌های ذی‌ربط از جریان‌های کارآفرین خواهد رسید.» وی با اشاره به تنظیم منشور جایگاه تشکل‌های غیردولتی توسط این کمیسیون اضافه کرد: «براساس این منشور، نحوه حمایت و نظارت بر تشکل‌های غیردولتی مشخص می‌شود.» شورای شهر همچنین تصویب کرد شهرداری تهران به منظور تشویق افراد برای نوسازی بافت محله «سیروس» تا ۵۰ درصد اخذ عوارض زیربنا و تراکم مازاد بر ۱۲۰ درصد را کاهش دهد. براساس این مصوبه شهرداری تهران موظف شد به ازای تجمیع دو قطعه ۲۰ درصد، ۳ قطعه ۲۵ درصد، ۴ قطعه ۳۴ درصد، ۵ قطعه ۳۵ درصد، ۶ قطعه ۴۰ درصد و ۷ قطعه به بالا ۵۰ درصد بخشودگی در نظر بگیرد. براساس این مصوبه، در صورتی که مساحت کل تجمیع شده از ۳۳۰ متر تجاوز کند، ۵ درصد از میزان عوارض کاهش پیدا می‌کند. همچنین در ادامه جلسه اعتراض فرمانداری تهران به مصوبه ساماندهی مدیریت محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفت که با اعتراض شدید امیررضا واعظی آشتیانی و خسرو دانشجو مواجه شد و این دو نفر اعلام کردند شورا باید از پذیرش چنین مواردی مخالفت کند. اعضای شورا با تبصره ماده واحده‌ای که شهرداری تهران را ملزم به بررسی وضعیت ستادی، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه شهرداری تهران که دارای وظایف نظارتی، اجرایی و مدیریتی

در زمینه محیط‌زیست شهر تهران کرده بود، حذف کردند. البته تبصره این ماده واحده، ایجاد سازمان مدیریت مواد زائد و جامد شهر تهران که توسط جانشین شورای شهر ابلاغ شده بود را، مسکوت کرده بود.

کارخانه نساجی بابکان

کارخانه نساجی بابکان واقع در شهرستان آمل بیش از ۵ ماه است حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده و در حال حاضر نیز کل کارگران خود را اخراج کرده است.

به گزارش ایلنا کارگران این شرکت می‌گویند: کارخانه نساجی بابکان آمل مصادره‌ای بوده که بانک صنعت و معدن چندین سال قبل آن را خریداری کرده است.

این کارخانه به دنبال طرح خصوصی‌سازی به چند جوان ۲۲ تا ۲۵ ساله واگذار شده که بنا بر ادعای کارگران از وابستگان مدیر عامل بانک صنعت و معدن هستند.

کارگران این شرکت می‌گویند: حدود ۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم و برای احقاق حقوق خود به مراجع بسیاری مراجعه کرده ایم که متأسفانه دست‌خالی بازگشتیم.

این کارگران افزودند: این شرکت مشکل تولید ندارد و تا ماه قبل ۸۰۰ کارگر این شرکت در سه شیفت کاری کردند که متأسفانه بدون دلیل این کارخانه را تعطیل و کارگران را اخراج کرده‌اند.

این کارگران می‌گویند: برای احقاق حقوق خودمان به دست اندرکاران و شورای تامین مازندران و فرمانداری آمل مراجعه کرده ایم که نتیجه‌ای در بر نداشته و همچنین به خانه کارگر استان مازندران نیز مراجعاتی داشته‌ایم که آنهم نیز بی‌فایده بوده است.

اعتصاب سه روزه معلمان ایران برای دستیابی به حقوق صنفی

با فراخوان کانون صنفی معلمان ایران در اعتراض به عدم دستیابی معلمان به حقوق معوقه صنفی‌شان، روزهای ۲۷ تا ۲۹ دی ماه معلمان ایران دست از کار می‌کشند و به گزارش منابع خبری دولتی ایران در پی اعتصاب امروز معلمان، کلاس‌های درس در برخی از مناطق تهران و شهرستان‌ها تعطیل هستند. همزمان امروز بیانیه انجمن اسلامی معلمان ایران در حمایت از نمایندگان متحصن مجلس شورای اسلامی هم انتشار یافت. تحصن سه روزه جمعی از معلمان کشور که از روز گذشته (شنبه ۲۷ دی ماه) آغاز شده است امروز وارد دومین

روز خود شد. هدف از این تحصن، اعتراض به عدم تحقق مطالبات صنفی معلمان به ویژه دریافت حقوق عقب‌افتاده سالهای ۸۱ و ۸۲ آنان است. این در حالی است که به گزارش روزنامه شرق در پی تحصن ۱۷ آبان برخی از معلمان در مقابل ساختمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران مسئولین سازمان به معلمان وعده دادند نظام ویژه‌ای را برای پرداخت حقوق کارکنان آموزشی تدوین کنند و به دولت ارائه دهند تا به این ترتیب به یکی از مهمترین خواسته‌های معلمان پاسخ داده شوند. اما نماینده مجلس شورای اسلامی در یک نامه مشترک اعتراضی که در هفته پیش منتشر شد، اعلام کردند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چنین نظامی را تبیین نکرده و به دولت ارائه نداده است. این در حالی است که شهاب‌الدین قندالی، یک معاون وزارت آموزش و پرورش روز شنبه در گفتگو با خبرنگاری دانشجویان ایران، ایسنا میزان مطالبات معوقه تنها مربوط به سال ۸۱ معلمان را ۴۰۰ میلیارد تومان برآورد کرده و این مبلغ شامل بقیه مطالبات مربوط به سال ۸۲ نمی‌شود. اکنون ۱۶ نهاد عضو شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران از جمله به دلیل عدم دریافت حقوق عقب‌افتاده خود فرهنگیان سراسر کشور را در قطعنامه‌ای مشترک دعوت به تحصن در مدارس کردند و

شماری از فرهنگیان از تشکل های یادشده از روز گذشته اعتراضی آرام را آغاز کردند و از رفتن به کلاس های درس خودداری کردند. این سومین باری است که در سال جاری تعدادی از معلمان خواستار تحقق مطالباتشان می شوند که سابقه آن به اعتراض ها و تظاهرات گسترده معلمان کمتر از دو سال پیش در بهمن 1380 برمی گردد که دامنه آن از سطح مدارس تهران به اعتراض در میدان بهارستان در برابر ساختمان مجلس و به سراسر کشور کشیده شد. تظاهراتی که علیرغم سرکوبی آن توسط گروه های فشار و نیروی انتظامی، در همان زمان تحلیلگران از آن به عنوان وسیع ترین جلوه جنبش مستقل صنفی معلمان در سال های بعد از انقلاب بهمن 57 یادکردند. اکنون اما به نظر می رسد خاطره آن رویارویی باعث نشده است که معلمان ایران از همزمانی تحصن خود با تحصن بیش از 80 تن از نمایندگان معترض مجلس به رد گسترده صلاحیت های داوطلبان نمایندگی ترسی به دل راه بدهند. به ویژه که معلمان معترض به این نکته اشاره دارند که این همزمانی تصادفی است و آنها بیش از 1 ماه پیش در نشست 20 آذر خود، تصمیم به چنین اعتراضی گرفته اند و روزهای 27 تا 29، دیروز و فردا را در قطعنامه ای که همان 20 آذرماه صادر شد برای عملی کردن این اعتراض برگزیدند. با این همه محمود بهشتی لنگرودی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران یکی از تشکل های صنفی مذکور 16 گانه معلمان به روزنامه شرق می گوید تحصن معلمان در تقابل با تحصن نمایندگان مجلس که به گفته او هدف آن احقاق مطالبات جامعه است، نیست و تحصن معلمان هم یک حرکت اصلاح طلبانه است. به گزارش خبرنگاری ایسنا، نمایندگان یکی از تشکل های دیگر فرهنگی، انجمن معلمان ایران، روز گذشته با حضور در جمع نمایندگان متحصن در مجلس با قرانت قطعنامه ای ضمن اعلام حمایت از آنان اعتراض خود را به تصمیم شورای نگهبان در رد صلاحیت های نامزدهای انتخاباتی اعلام کردند و از رئیس جمهور، وزارت کشور، معلمان و سایر اقشار خواسته اند تا تضمین آزادی کامل انتخابات از پاننشینند. در روزهای گذشته شماری از استادان، دانشگاہیان، فعالان و تشکل های مستقل اصلاحگرای سیاسی و چند تشکل دانشجویی مستقل اصلاحگرا، از جمله بزرگترین آنها شاخه علامه دفتر تحکیم وحدت حمایت خود را از تحصن نمایندگان معترض اعلام کردند و خواستار ادامه این اعتراض تا تایید صلاحیت های تمامی نامزدها از جمله نامزدهای مستقل دگراندیش و غیر خودی شدند

دبیر انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره بار تهران: کارگران از دست نمایندگان مجلس به کجا پناه ببرند؟

نمایندگان مجلس به منظور دفاع از حقوق خود و یا شاید هم به دلیل دفاع از حقوق مردم تحصن کرده اند، در اینجا سوال من از برخی نمایندگان مجلس این است که کارگران از دست شما به کجا پناه برده و تحصن کنند.

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، «غلامرضا توکلی»، دبیر انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره بار تهران، ضمن بیان این مطلب گفت: تحصن کنندگان در مجلس امکانات مردم را در اختیار دارند، با همه درگیر می شوند و صدایشان به همه جا می رسد؛ هیچ کس هم جرات ندارد، در خصوص عملکرد آن ها حرفی بزند.

توکلی گفت: همین آقایان ماده 94 نظام صنفی و بسیاری از قوانین دیگر را علیه جامعه کارگری تصویب کردند و حقوق کارگران را از بین بردند؛ من می گویم، جامعه کارگری از دست این نمایندگان به کجا برود تا هم صدایش به گوش همه برسد و هم از امکانات رفاهی کامل سود ببرد.

وی افزود: سوال من این است که آیا جامعه کارگری حق اعتراض ندارد و اگر دارد، کجا و چگونه اعتراض کند که به آن رنگ سیاهی و سیاسی نزنند.

دبیر انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره بار تهران گفت: اعتراض کارگران به خاطر مسائل صنفیشان است؛ گو این که آن ها بلند گویی ندارند تا حرفشان را بزنند؛ من می پرسم، اگر کارگران نیز، همچون نمایندگان مجلس جزو همین مردم هستند، چرا حقوق حقه آن ها نادیده گرفته می شود.

توکلی گفت: نمایندگانی که در مجلس به ماده 94 نظام صنفی رای مثبت داده و باعث تصویب آن شدند، آیا تا به حال خانواده شان بیمار شده و آیا اصلا از دفتر چه بیمه استفاده می کنند و مزایای آن را به خصوص برای قشر کم درآمد و محروم جامعه می دانند؟

وی افزود: آیا تا به حال این نمایندگان، اعتبار دفتر چه بیمه شان تمام شده و آیا از ناداری و ناتوانی مردم باخبرند؟

توکلی در خاتمه گفت: من به شما قول می دهم که این نمایندگان مردمی، با تصویب مواد قانونی همچون ماده 94 قانون نظام صنفی که بیش از 1/5 میلیون کارگر را از چتر حمایت بیمه خارج کرده است، از فضای زندگی کارگران خبری ندارند و بنابراین مردمی نیستند.

اعتصاب کارگران «ابزار یراق ورامین»

کارگران کارخانه «ابزار یراق ورامین»، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود اعتصاب کردند.

این کارگران، شنبه هفته گذشته را نیز در اعتصاب به سر بردند، ضمن آن که پنج شنبه گذشته، به مدت 3 ساعت اعتصاب کردند.

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، کارخانه ابزار یراق ورامین، با داشتن 120 کارگر از سوی کارفرما ورشکسته اعلام شده و در پی این اعلام، کارگران که بیش از سه ماه حقوق نگرفته اند، اقدام به اعتصاب کرده اند.

این کارگران می گویند: مدت 40 ماه است که حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده و پرداخت حقوق معوقه باقی مانده از سال گذشته نیز قرار است که در 12 قسط صورت گیرد.

این کارگران به خبرنگار سرویس کارگری ایلنا گفتند: به دنبال بروز مشکلات فراوان در محیط کار ناچار شدیم، دست به اعتصاب بزنیم؛ البته این قضیه در گذشته نیز تکرار شده است.

این کارگران از تاثیر مشکلات بر خانواده هایشان گفته و افزودند: اعتصاب، آخرین راه چاره بوده و در مواقعی که اعتصاب می کنیم، کارفرما از طریق نیروهای امنیتی، اعتصاب را به نفع خود برهم زده و به کارگران قول می دهد که هر چه سریع تر حقوق و مزایای آن ها را پرداخت خواهد کرد؛ اما هیچ خبری از این امر نیست.

نامه کارگران قراردادی به نمایندگان مجلس/

ترس از گرسنگی خانواده، ما را از سایه خود هم می ترساند

کارگران قراردادی سراسر کشور، با تهیه طوماری، از مجلس شورای اسلامی درخواست رسیدگی به تبصره 2 ماده 7 قانون کار درخواست کمک کردند.

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، در این نامه آمده است: ما از مجلس، تقاضای مساعدت و کمک به این قشر آسیب پذیر و کم درآمد کشور را داریم؛ چراکه عدم امنیت شغلی و ترس از گرسنگی خانواده، گاهی باعث می شود این قشر از سایه خود نیز بترسند و به فکر دفاع از حقوقشان نباشند.

در قسمتی از این نامه آمده است: برداشت های شخصی کارفرمایان در زمینه مسایل استخدامی و به کارگیری کارگران و

ما به سهم خویش سلسله اقاماتی را برای بازتاباندن خبر کشتار کارگران بی دفاع خاتون آباد و شهر بابک (کرمان) در اختیار مجامع و محافل کارگری جهان، سندیکاها و اتحادیه های کارگری قرار داده و نظر آنان را برای محکومیت این کشتار در سطح وسیع جلب نمودیم. باردیگر آمادگی خود را برای همکاریهای مشترک اعلام میداریم

مسئولین هماهنگی اتحاد چپ کارگری ایران ۲۵ ژانویه

اطاق ایرانیان سوسیالیست 'در' پلتاک"
Iran Socialist Forum
<http://www.isf.org.uk/Paltalk-isf.htm>
email: Paltalk@isf.org.uk
جمعه ۳۰ ژانویه
تا ۱۲ شب به وقت اروپای مرکزی ۸
متدولوژی مرحله انقلاب
مرتضی محیط، تراب ثالث

یکشنبه ۱ فوریه
تا ۱۲ شب به وقت اروپای مرکزی ۸
نقد انواع سوسیالیزم
روبن مارکاریان

Address: Box 22 33 40 314 Gtg
Sweden
Fax: 0046 31139897 0044
8701257959
آدرس ما در اینترنت
<http://www.etehadchap.com>
e-mail: web@etehadchap.com
آدرس پست الکترونیکی اتحاد چپ کارگری در آمریکا
us.east@etehadchap.com
حساب پستی اتحاد چپ کارگری: 4289144-0 pg
hh@etehadchap.com
<http://www.etehadchap.com>

مناسبات مربوط به آن، همیشه به گونه ای طوری تنظیم می شود که از آن ها بومی تعفن به مشام می رسد.

درخاتمه این نامه آمده است: در کار دائم و مستمر، کارگر نباید قراردادی و پیمانی باشد و استخدام در کاری که جنبه مستمر دارد، باید بصورت رسمی انجام گیرد؛ امروزه کارگر مورد سوء استفاده برخی کارفرمایان سودجو قرار می گیرد؛ به همین منظور خواهشمندیم در جلسات آینده مجلس که قرار است، ماده ۷ قانون کار و تبصره های مربوطه آن رسیدگی شوند، نمایندگان، رضای خداوند را در نظر داشته باشند که آن هم در رضای ملت جلوگیری شود.

اطلاعیه اتحاد چپ کارگری ایران در محکومیت کشتار کارگران : تهاجم به تحصن کارگران شرکت ذوب مس خاتون آباد شهر بابک (کرمان) را قویا محکوم میکنیم!

آزادخواهان جهان و نهادهای مدافع حقوق کارگران فعالین کارگری، احزاب و سازمانها داخل و خارج از کشور بر پایه اخبار دریافتی ذوب مس خاتون آباد از توابع شهرک بابک (کرمان) که سالها پیش درازای خرید موشکهای کرم ابریشم در زمان جنگ ایران و عراق از چین به ایران تحویل شد، امروز به معضلی برای سرمایه داری ایران بدل شده است. بطوریکه تعدادی از اهالی که اکثر آنان را زنان مسن تشکیل میدهند از روز ۲۸ دی ۸۲ در برابر کارخانه ذوب مس تجمع کرده اند و تقاضای خود را در جلوگیری از بیکارسازی اعضای خانواده خود و عدم استخدام عده ای از اهالی غیر بومی اعلام نمودند. اجتماع کنندگان که عمدتا خود یا کسانشان در ذوب مس کار میکنند از چند روز پیش اقدام به تحصن، اعتراض و بستن جاده کردند که با تهاجم مامورین انتظامی روبرو گردید بعد از ادامه اعتراضات در روز جمعه (۳ بهمن ۸۲) برابر ۲۳ ژانویه ۲۰۰۴ منجر به درگیری شد نیروهای سرکوب به متحصنین حمله ور شدند. روز بعد دامنه این درگیری بصورت گسترده ای در شهر بابک زمینه ساز حمله مردم خشمگین به ساختمان فرمانداری و بانکها گردید و درگیری و رودرویی بین نیروهای ضد شورش اعزامی و مردم زحمتکش همچنان در جریان است. در این میان طبق اخبار دریافتی تاحال خبر کشته شدن ۷ تن و مجروح شدن تعداد زیادی که اغلب آنان را به بیمارستانهای سیرجان، سرچشمه و شهر بابک بستری نمودند و دستگیری بیش از ۱۰۰ تن گزارش شده است. شهر بابک به حالت نیمه تعطیل و بشکل حکومت نظامی در آمده است. سردار دارایی فرمانده نیروی انتظامی به سرویس اجتماعی ایلنا گفت: «تمام اقدامات ما در این بحران قانونی بوده و برابر مصوبه شورای تامین استان انجام شده است. هیچ معلوم نیست که کشته شدن تعدادی در شهر بابک کار نیروی انتظامی بوده یا خیر، این احتمال وجود دارد که گروه مسلح دیگری غیر از نیروی انتظامی در این قضیه دخیل بوده اند و برای مشخص شدن این امر گروهی در حال تحقیق در این مورد هستند چرا که نیروی انتظامی در خاتون آباد نیز وارد صحنه شد و در آنجا کسی کشته نشد!» این ادعا نشان میدهد که بار دیگر کارگزاران نظام در آشفته بازار بحران عمومی نظام و آنچه از پس زمین لرزه بم و تحصن نمایندگان مجلس در دفاع از منافع خود و دهها اعتراض و اعتصاب از جمله اعتراضات معلمان و تعطیلی کلاسها برای وصول مطالبات خویش همه و همه بی پاسخ مانده و هر کجا که معترضین پا به پیش میگزارند با سرکوب، مصدوم شدن و کشتار و فوج دستگیری روبرو میگردند.

اتحاد چپ کارگری ایران همه فعالین کارگری، سازمانها، احزاب مدافع حقوق کارگران را مخاطب قرار داده و برای هر اقدام مشترکی آماده گی خود را از پیش اعلام میدارد!